

اخلاق کار و توسعه اقتصادی: تحقیقی درباره تئوری ماکس وبر^۱

آنمیک شلیپزند، ایلکه دی یونگ

ترجمه فرزاد پرهوده^۲، علی رئوف کیش^۳

چکیده

هدف مقاله حاضر، روشن ساختن روابط تئوریزه شده وبر با تأثیر بر شرایط اقتصادی اجتماعی (رابطه اخلاق کاری و توسعه اقتصادی) و روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. یافته‌ها و نتایج؛ نشان می‌دهد که هرچند تئوری وبر اخلاق کاری بالا را به تعلق به آیین پروتستان نسبت می‌دهد، اما نویسندگان مقاله حاضر، به این نتیجه رسیده‌اند که روحیه سرمایه‌داری مرتبط با اخلاق پروتستان ماکس وبر با پروتستان‌تیسیم ارتباط ندارد، بلکه با مرحله مدرنیزاسیون توسعه اقتصادی همراه است. نتایج نشان می‌دهد که، اولویت برای کار سخت در میان سایر ادیان و افراد غیرمذهبی در زمان رشد اقتصادی بالا است و پس از مرحله نوسازی کاهش می‌یابد. علاوه بر آن به یک رابطه قوی بین سطح رشد و توسعه اقتصادی در دوران کودکی فرد و اخلاق کار فرد دست یافته‌ایم. در این مقاله از رویکرد اپیدمیولوژیک برای بررسی رابطه رشد و سطح توسعه اقتصادی در زمان شکل‌گیری ارزش‌ها با اخلاق کار استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد، تبعیت از پروتستان با اخلاق کاری رابطه مثبت دارد، اما شدت آن از رابطه توسعه اقتصادی کمتر است.

کلیدواژگان: اخلاق پروتستان، اخلاق کار، توسعه اقتصادی

۱- این مقاله ترجمه ای است از؛

Schilpzand, Annemiek & de Jong, Eelke. (2021). "Work ethic and economic development: An (investigation into Weber's thesis),"—European Journal of Political Economy, Elsevier, vol. 66(C).

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه بوعلی همدان (مترجم مسئول) Fparhode66@gmail.com

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز.

۱. مقدمه

وبر در نشریه اصلی خود، "اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری" استدلال می‌کند که آموزش شاخه‌های پروتستانیسم کالونیستی منجر به تعهدی مادام‌العمر برای کار و صرفه‌جویی می‌شود. طرفداران این فرقه معتقدند که خداوند می‌خواهد آنها از زمان، هوشمندانه استفاده کنند. "نه اوقات فراغت و لذت بردن، بلکه فقط فعالیت در خدمت افزایش رضایت خدا است. عدم تمایل به کار از علائم کمبود لذت است. (وبر، ۱۹۳۰: ۱۰۴-۱۰۵). این ادعا تقریباً بلافاصله پس از انتشار اثر وبر مورد انتقاد قرار گرفت. انتقادات شامل موارد زیر می‌شود: مبنای تجربی ضعیف وبر، تفسیر یک‌طرفه او از پروتستانیسم و عدم بررسی روندهای مشابه در کاتولیک و رابطه علیتی که فرض می‌شود از آن دفاع می‌کند، یعنی رابطه بین پروتستان و روحیه سرمایه‌داری. ادبیات تجربی با آزمایش رابطه پیشنهادشده توسط وبر، نتایج متفاوتی را ارائه می‌کند. (به‌عنوان مثال؛ اندرسون و همکاران، ۲۰۱۷؛ برگر، ۲۰۱۰؛ نونزیاتا و روکو، ۲۰۱۸؛ اسپنکوچ، ۲۰۱۷؛ زا فیروسکی، ۲۰۱۸؛ زو، ۱۹۹۴). این نتایج به داده‌های استفاده‌شده، مجموعه داده‌های کوچک در مقابل داده‌های بزرگ، تعداد و گروه‌های کشورهای در نظر گرفته و روش استفاده‌شده، بستگی دارد. به‌طور خلاصه، بحث در مورد رابطه پروتستانیسم و روح سرمایه‌داری هنوز به پایان نرسیده است.

هدف این مقاله، روشن ساختن روابط تئوریزه شده وبر با تأثیر بر شرایط اقتصادی اجتماعی است. بنابراین بحث در مورد رابطه پروتستانیسم و روحیه سرمایه‌داری را با بررسی رابطه ارزش‌ها و مراحل توسعه اقتصادی پیوند می‌دهیم. در این مقاله استدلال می‌کنیم که اخلاق پروتستانی که وبر توصیف می‌کند ویژه پروتستانیسم نیست، فرقه‌های پروتستان، که وبر به آنها اشاره می‌کند، فقط در یک مرحله خاص از توسعه اقتصادی بودند. این مرحله با انتقال از سطح پایین‌تر توسعه به سطح بالاتر مشخص می‌شود. فرضیه ما این است که در چنین دوره‌ای از گذار، مردم برای کار سخت ارزش قائل هستند، زیرا موقعیت آنها را بهبود می‌بخشد. اخلاق کار در این شرایط بالا است و وقتی افراد و جوامع به سطح بالاتری از رشد برسند، دوباره کاهش می‌یابد. ارزش‌های خودشکوفایی اهمیت بیشتری می‌یابند و کار سخت از اهمیت کمتری برخوردار می‌شود. اگر ادعای ما درست باشد و داده‌های هر سه مرحله در دسترس باشد، انتظار داریم رابطه‌ای کوهان شکل بین اخلاق کار و سطح پیشرفت پیدا کنیم: در دوره رشد بالا و سرانه درآمد نسبتاً کم، اخلاق کاری افزایش می‌یابد و وقتی درآمد به اندازه کافی زیاد و رشد نسبتاً کم است، اخلاق کاری کاهش می‌یابد. ادعای ما این است که نگرش نسبت به کار با مذهبی که مردم از آن پیروی می‌کنند ارتباطی ندارد اما به مرحله رشد افراد، منطقه یا کشور مرتبط است.

سرفصل‌های مقاله به شرح زیر است: در بخش ۲، مقاله وبر را ارائه کرده و به توصیف او در رابطه با

علیت و شرایطی که معتقد است اعتبار تئوری اوست توجه می‌کنیم. بخش ۳ فرضیه ما را در رابطه با اخلاق کار و سطح پیشرفت توسعه، به همراه برخی از مطالعات تجربی و تاریخی در مورد بررسی روابط پیشنهاد شده ارائه می‌دهد. برای آزمون فرضیه از دو روش کمی استفاده شده است: یک رگرسیون چند سطحی و یک تحلیل اپیدمیولوژیک. رگرسیون چند سطحی یا چند مقطعی در مطالعات دیگر اعمال شده است، به‌عنوان مثال (بکر و ووسمن، ۲۰۰۹). اما نقطه‌ضعف این روش این است که نمی‌تواند بین تأثیر آموزش (امکانات آموزشی در موضوع آنها) و ارزش‌ها تفاوت قائل شود. احتمالاً یک باور غالب خاص منجر به ایجاد آموزش‌های تقویت‌کننده رشد و نگرش‌های طرفدار رشد می‌شود. رویکرد اپیدمیولوژیک راهی نوین برای تفکیک تأثیر باورها از آموزش‌ها است. این روش از مهاجران نسل دوم استفاده می‌کند و نگرش آنها را با ارزش‌های غالب در کشور مبدأ والدینشان مرتبط می‌کند. با فرض انتقال ارزش‌های بین نسلی، انتظار داریم که نگرش مهاجران نسل دوم تحت تأثیر ارزش‌های غالب در کشور مبدأ والدین آنها باشد. این اثر مستقل از آموزش در کشور میزبان مهاجران است و بنابراین می‌تواند تأیید کند که ارزش‌ها نقش دارند. ارزش‌ها در استدلال وبر و استدلال ما مهم و محوری هستند. بنابراین به‌صراحت بین نگرش فعلی، اخلاق کاری پاسخ‌دهندگان و زمانی که ارزش‌های آنها شکل گرفته است، تفاوت قائل می‌شویم؛ به‌اصطلاح سال‌های کودکی (برای جزئیات بیشتر به بخش ۴ مراجعه کنید). ما حداقل از سه طریق به ادبیات نظری کمک می‌کنیم. در ابتدا، ادبیات مربوط به تأثیر دین بر ارزش‌ها، به‌عنوان مثال (ون هورن و مازلند، ۲۰۱۳) را با آنچه در توسعه اقتصادی و ارزش‌ها است ارتباط می‌دهیم (گالور و موآو، ۲۰۰۲؛ گیسو و همکاران، ۲۰۰۳؛ اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰). دوم، تا آنجا که می‌دانیم، اولین کسانی هستیم که صراحتاً بین تأثیر عوامل غالب در مهر و موم‌های کودکی ارزش‌های پاسخ‌دهندگان و عوامل کنونی تفاوت قائل می‌شویم. و در نهایت، این اولین مقاله‌ای است که از رویکرد اپیدمیولوژیک برای بررسی ارتباط فرضیه وبر در مورد پروتستان‌یسم استفاده می‌کند. شرح داده‌ها و روش تحقیق در بخش ۴، ارائه شده است. بخش ۵، شامل رویکرد چند سطحی و همچنین اپیدمیولوژیک است. در بخش ۶، نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۲. تئوری اخلاق پروتستان وبر

وبر انگیزه مطالعه خود در مورد اخلاق پروتستان را با این موضوع کسب می‌کند: "رهبران مشاغل و صاحبان سرمایه، همچنین نیروی کار بسیار ماهر، و حتی بیشتر کارکنان آموزش‌دیده فنی و تجاری بالاتر از شرکت‌های مدرن، اکثراً پروتستان هستند" (وبر، ۱۹۳۰: ۳). این مشاهدات فقط برای آلمان صدق نمی‌کند بلکه می‌تواند "تقریباً در هر کجا که سرمایه‌داری اختیار داشته است تا توزیع اجتماعی

جمعیت را متناسب با نیازهای خود تغییر دهد و ساختار شغلی آن را تعیین کند" وجود داشته باشد (همان). این الگو را می‌توان با شرایط تاریخی که در آن پایبندی به یک ایمان خاص، تا حدی نتیجه شرایط اقتصادی است، توضیح داد. باین حال، از نظر وبر، شرایط اقتصادی به‌تنهایی نمی‌تواند رفتار مردم را توضیح دهد. او این امر را با افزایش دستمزد نشان می‌دهد که لزوماً به تلاش بیشتر منجر نمی‌شود. بلکه می‌تواند این تلاش را کاهش دهد زیرا کارگر سطح مشخصی از درآمد را می‌خواهد. این نتیجه‌گیری وبر، "باید [...] طوری انجام شود که گویی یک هدف مطلق است، یک دعوت ویژه است. اما چنین نگرشی به‌هیچ‌وجه محصول طبیعت نیست. این موضوع فقط با دستمزد پایین یا دستمزد بالا قابل تغییر نیست بلکه می‌تواند محصول یک فرآیند طولانی و طاقت‌فرسای آموزش باشد." (وبر، ۱۹۳۰: ۲۵). وی افزود: "این نوع آموزش در بین کسانی دیده می‌شود که دارای ویژگی مذهبی، به‌ویژه پیتیسیتیک یا پارسامنش هستند. اغلب اوقات می‌شنوید و با بررسی آماری آن را تأیید می‌کنید، که در واقع بیشترین شانس تحصیلات اقتصادی در بین این گروه وجود دارد." (وبر، ۱۹۳۰: ۲۶). همان‌طور که این نقل‌قول‌ها نشان می‌دهد وبر ریشه فرهنگی پیشرفت اقتصادی را پیشنهاد می‌کند. او همچنین معتقد است که مناطق تحت سلطه پروتستان‌ها (کالوینیست‌ها) مرفه‌تر از مناطق تحت سلطه کاتولیک‌ها هستند. استدلال او این است که به‌دلیل مکتب تقدیرگرایانه کالوینیست‌ها، آنها می‌خواهند بدانند که آیا آنها انتخاب شده‌اند یا خیر و آن را با تلاش مادام‌العمر، سخت‌کوشی و عدم لوکس‌گرایی نشان می‌دهند. چنین رفتاری پاسخ به یک دعوت ویژه است. بنابراین "توضیح اصلی [...] را باید در ذات اعتقادات مذهبی آنها جستجو کرد" (وبر، ۱۹۳۰: ۷).

استدلال وبر براساس تفسیر وی از مفهوم جبر است که در کالوینیسم توسعه یافته است. طبق آموزه جبر، خداوند از همان آغاز زندگی بشر تصمیم گرفته است که کدام افراد نجات خواهند یافت و پس از مرگ به بهشت می‌روند. این امر باعث عدم اطمینان بسیاری از ایمان‌داران می‌شود. چگونه می‌توان فهمید که فردی نجات یافته است؟ کالوینیست‌ها معتقدند که موفقیت در این دنیا نشانه تعلق به برگزیدگان خداست. این نشانه نمی‌تواند یک عمل واحد باشد بلکه باید یک تلاش مادام‌العمر باشد. مهم این است که فرد از وقت خود برای رضایت خدا استفاده کند. اعمالی که خدا می‌خواهد، در وهله اول شامل دعا و سایر اعمال معطوف به زندگی پس از مرگ نیست، بلکه اعمالی است که در آن فرد با تعهد مادام‌العمر به حرفه خود، دعوت خود را نشان می‌دهد. این به‌معنای ابراز مادام‌العمر کنترل خود به‌وسیله کار و هدر نرفتن پول برای فعالیت‌های بیهوده است. چنین رفتاری منجر به زندگی با تمرکز بر نظم و انضباط در کار و در سایر بخش‌های زندگی خصوصی فرد می‌شود، به‌طوری‌که عواید حاصل از تلاش‌های وی نابخردانه مصرف نمی‌شود بلکه باعث صرفه‌جویی در فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌شود.

سه مشاهده باید انجام شود. اول، وبر استدلال می‌کند که مکتب جبر، نگرش فعالیت مادام‌العمر را القا

می‌کند: برای نشان دادن اینکه فردی نجات یافته است، سخت کار می‌کند. با این حال، از نظر منطقی، می‌توان ادعا کرد که این آموزه ممکن است در عوض منجر به یک نگرش منفعل شود. به هر حال، اگر خدا از قبل تصمیمش را گرفته است، چرا باید یک فرد به سختی زحمت بکشد؟ اگر ما از قبل مقدر شده باشیم، به همان اندازه می‌توان سست و بی‌حال شد. وبر عمداً مشاهدات خود را این‌گونه تفسیر می‌کند که رابطه علی بین جبر و سخت‌کوشی را آشکار کند.

ثانیاً، بخش عمده‌ای از نقد وبر این پیوند علیت فرضی را زیر سؤال برده است. این انتقاد غیرمنصفانه است. در چندین مکان از کتاب، وبر به صراحت اشاره می‌کند که روی یک جهت تمرکز دارد - از دین و ارزش‌ها گرفته تا شرایط اقتصادی اما جهت مخالف هم می‌تواند درست باشد. "البته هدف من این نیست که جایگزین یک تفسیر علی و معنوی گرایانه یک‌جانبه از فرهنگ و تاریخ شوم. هر یک به همان اندازه امکان‌پذیر است [...] « (وبر، ۲۰۰۱/۲۰۳۰: ۱۲۵). این نقل قول نشان می‌دهد که استدلال وبر قرار بود جایگزینی برای مادی‌گرایی مارکس باشد.

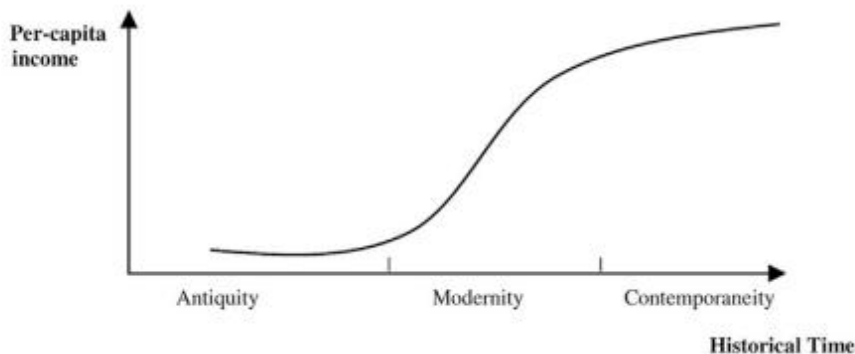
سرانجام، در پایان کتاب وبر به احتمال دوام فرضیه خود به‌طور موقت اشاره می‌کند. او می‌نویسد: "پیوریتن می‌خواست به این دعوت پاسخ دهد: ما مجبور به این کار هستیم [...] شاید تا زمانی که آخرین تن از زغال‌سنگ فسیل‌شده بسوزد این موضوع مشخص شود." (وبر، ۱۹۳۰: ۱۲۳). وی همچنین خاطر نشان می‌کند: "سرمایه‌داری پیروز است، و از آنجا که بر پایه‌های مکانیکی قرار دارد، دیگر نیازی به حمایت (زهد) خود ندارد. هیچ‌کس نمی‌داند [...] آیا در پایان این پیشرفت عظیم پیامبران کاملاً جدیدی ظهور می‌کنند، یا تجدید حیات بزرگی از ایده‌ها و آرمان‌های قدیمی اتفاق می‌افتد." (وبر، ۱۹۳۰: ۱۲۴). ما این موضوع را به‌عنوان یک اشاره در نظر می‌گیریم که مجموعه خاصی از ارزش‌ها می‌توانند به یک مرحله خاص از توسعه متصل شوند و ممکن است "شرایط تاریخی - سیاسی موقت خارجی" بیش از پیروی از یک دین خاص از اهمیت برخوردار باشد. به‌طور خاص، فرضیه ما این است که مرحله توسعه اقتصادی برای تبیین اخلاق پروتستان از اهمیت پروتستان به جبر مهم‌تر است.

۳. ارزش‌ها و مراحل توسعه اقتصادی

چندین نویسنده درباره تأثیر توسعه اقتصادی بر ارزش‌ها و نگرش‌ها بحث کرده‌اند (نگاه کنید به، اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰؛ روستو، ۱۹۵۹، ۱۹۹۰). مارینی (۲۰۰۴) با تمایز سه مرحله از توسعه اقتصادی، این نظریه‌ها را باهم ترکیب می‌کند: عهد عتیق، مدرنیته و معاصر (شکل ۱). هر یک از این مراحل با شرایط اقتصادی خاص و ارزش‌های مرتبط با آن مشخص می‌شود. عهد عتیق با سرانه درآمد کم و رشد کم مشخص می‌شود. در نتیجه، تنها راه بهبود موقعیت مادی فرد، به‌دست آوردن سهم

زیادی از چیزهای معمولی است. فقط افرادی که از منزلت بالایی برخوردار هستند، شانس واقعی بهبود وضعیت خود را دارند و رانت‌خواری و سلسله‌مراتب از مشخصات این جوامع است. برای اکثریت، امکان بهبود وضعیت آنها وجود نخواهد داشت و این می‌تواند منجر به اعتقاد به سرنوشت و بی‌تفاوتی شود. نمونه‌های امروزی ایتالیای جنوبی (بنفیلد، ۱۹۵۸) و مناطقی از هند هستند (راجان، ۲۰۱۹: ۱۱۲-۱۱۰). در دوران مدرنیته، درآمد سرانه در ابتدا کم است اما با سرعت نسبتاً بالایی رشد می‌کند. به دلیل تغییر در فناوری و یا شرایط سیاسی در این دوره، افراد بیشتری امکان بهبود وضعیت خود را دارند. در صورت سخت‌کوشی، صرفه‌جویی در هزینه‌ها برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی، ابتکار عمل و تلاش برای دستیابی به موفقیت، پیشرفت امکان‌پذیر است. در طول این مرحله، مردم برای سخت‌کوشی و پیشرفت مادی ارزش قائل هستند. منظور وبر از فرقه‌های مذهبی افرادی بودند که در آن زمان در این مرحله از مدرنیته زندگی می‌کردند. توجه داشته باشید که بسیاری از این گروه‌ها در دوره صنعتی سازی در هلند یا آمریکای شمالی زندگی می‌کردند (ون باول، ۲۰۱۶).

سطح بالای درآمد سرانه، نشان‌دهنده فاز مدرنیته و پس از مدرنیته است که به ترتیب توسط مارینی (۲۰۰۴) و اینگلههارت (۱۹۹۷) نام‌گذاری شده است. از آنجاکه درآمد در حال حاضر در سطح بالایی قرار دارد، رشد کندتر از مدرنیته است. محدودیت‌های فنی ممکن است این رشد را محدود کند؛ بهبود فرآیندهای تولید به‌طور فزاینده‌ای دشوار می‌شود. برای بسیاری از مردم درآمد کافی برای رسیدگی به نیازهای روزمره آنها وجود دارد. آنها به درآمد بالاتر نسبت به آنچه که در زمان فقر داشتند، ارزش کمتری قائل‌اند. این امر منجر به ترجیح جنبه‌های غیرمادی زندگی و در نهایت سطح بالاتر رفاه می‌شود. این اهداف "پس از دستیابی مردم به امنیت مادی و به دلیل دستیابی به امنیت مادی" مورد تأکید قرار می‌گیرند (اینگلههارت، ۱۹۹۷: ۳۵). کسب امنیت مادی از اولویت کمتری برخوردار است زیرا قبلاً محقق شده است. ادعای ما این است که فرضیه‌های وبر به موقعیت‌هایی اشاره دارد که در آن افراد مرحله مدرنیته را طی کرده‌اند. در طول این مرحله (شاید به‌ویژه در ابتدای آن مرحله)، افراد باید خود را نظم دهند، کار منطقی انجام دهند و سخت کار کنند. اگر آنها درآمد حاصل از کار خود را پس‌انداز کنند و این پول را در پروژه‌های سودآور جدید سرمایه‌گذاری کنند، شکوفایی آنها حتی بیشتر است. سپس ارزش‌های غالب از این فعالیت‌ها پشتیبانی خواهند کرد، به طوری که سخت‌کوشی و صرفه‌جویی مورد توجه قرار می‌گیرد. در موارد تجربی که وبر به آن اشاره می‌کند، برخی از فرقه‌های پروتستان به این ارزش‌ها پایبند بوده‌اند. روستو (۱۹۹۰) وقتی ادعا می‌کند که برای پیاده‌سازی تکنیک‌های جدید و ارزش‌های جدیدی که مدرنیته ارائه داده است، باید "نسان‌های مدرن" وجود داشته باشد، به ارتباط بین فعالیت‌ها و اعتقادات اشاره دارد. به دلیل محدود بودن اطلاعات، آزمایش هر سه مرحله برای یک واحد، کشور، منطقه یا گروهی از افراد یکسان دشوار خواهد بود؛



شکل ۱: سه مرحله توسعه اقتصادی. منبع: مارینی (۲۰۰۴)

می‌توان ادعا کرد که از اواخر دهه ۱۹۶۰ به بعد، مالزی از دوران عتیق به مرحله مدرنیته منتقل شد. در آغاز دهه ۱۹۷۰، ماهاتیر، نخست‌وزیر مالزی ادعا کرد که مالایی‌ها برای زنده ماندن در رقابت با دیگران به‌ویژه چینی‌ها ناتوان بودند. در دهه ۱۹۸۰، کمپین "نگاه به شرق" کره جنوبی و ژاپن را به‌عنوان نمونه معرفی کرد. این کمپین باعث ایجاد نگرش کار شرقی و "ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خاص ژاپنی و کره‌ای" شد (مازلند، ۲۰۰۶: ۱۶۷). در دهه ۱۹۹۰، این ارزش‌ها به‌عنوان ارزش‌های اسلامی معرفی می‌شد. ماهاتیر "شکل کاملاً پروتستانیزه شده از اسلام" را تبلیغ کرد که اهمیت دستیابی به دانش، صرفه‌جویی و سخت‌کوشی را نشان می‌داد (لی و آکرمن، ۱۹۹۷، ص ۳۶). در مورد میزان حمایت از این تغییر دیدگاه توسط کل مردم تردید وجود دارد. با این وجود، این موضوع، آگاهی از ارتباط بین عملکرد اقتصادی و ارزش‌ها را نشان می‌دهد. کونیو (۲۰۰۶) نیز چنین آگاهی از اهمیت تغییر ارزش‌ها را هنگام تغییر اقتصاد از یک مرحله به مرحله دیگر مطرح می‌کند. او عملکرد چشمگیر اقتصادی پس از جنگ ژاپن را به فرهنگ ژاپن نسبت می‌دهد. ژاپنی‌ها به (۱) پیگیری‌های مادی؛ (۲) کار سخت (۳) پس‌انداز برای آینده؛ و (۴) سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، اهمیت می‌دهند. این ترجیحات ممکن است تحت تأثیر درآمد، قیمت‌ها و سایر عوامل اقتصادی باشد، اما از فرهنگ موجود نیز تأثیر می‌پذیرند» (کونیو، ۲۰۰۶: ۸۳). وی متوجه شد که از دهه ۱۹۹۰ به بعد، ژاپنی‌ها گرایش کمتری به صرفه‌جویی داشته و به مصرف کالاهای لوکس روی آورده‌اند. "فرهنگ با افزایش درآمد تغییر می‌کند. [...] فرهنگی که در یک مرحله باعث رشد شود ممکن است در مرحله بعد، متوقف شود." (کونیو، ۲۰۰۶: ۹۸). مطالعات دیگر با هدف آزمایش یا رد فرضیه وبر انجام شده و بر رابطه بین ارزش‌ها و عملکرد اقتصادی فقط در مرحله مدرنیته تمرکز دارد (ردینگ و هسیائو، ۱۹۹۰). کسب و کار خانوادگی توسط چینی‌های خارج از کشور را که هنوز هم احساس رابطه عاطفی با چین دارند، مطالعه کنید. آنها موفقیت این بنگاه‌ها را ناشی از اخلاق کار جدی در جهت اهدای جوایز مادی و اهمیت خانواده می‌دانند. همچنین معتقدند که

حتی صاحبان قدرت نیز بیش از حد ثروت یک شرکت را نخرند زیرا این دارایی متعلق به خانواده است و متعلق به فرد نیست. برگر (۲۰۱۰) موارد مختلفی را ذکر می‌کند که در گروه‌هایی که افزایش پیشرفت مادی به چشم می‌خورد، از اصول اخلاقی پروتستان وبر تبعیت می‌کنند. در ادامه مقاله، ما فرضیه خود را با استفاده از دو روش بررسی می‌کنیم: یک رویکرد چندسطحی (بخش ۱-۵) و رویکرد اپیدمیولوژیک (بخش ۲-۵). رویکرد اپیدمیولوژیک برای تشخیص تأثیر ارزش‌ها از آموزش است.

۴. داده‌ها و روش آزمون توسعه اقتصادی و اخلاق کاری

۴-۱. متغیرهای وابسته و مستقل

در پاسخ به این سؤال که: کدام‌یک از عوامل پروتستان‌یسم یا سطح توسعه یک کشور بر روحیه سرمایه‌داری پاسخ‌دهندگان تأثیر می‌گذارد؟ به‌طور خاص روی اخلاق کار تمرکز می‌کنیم، زیرا یک بخش جدایی‌ناپذیر از تئوری وبر است. بنابراین اخلاق کاری متغیر وابسته در تحلیل‌های ما است. اندازه‌گیری آن با پنج مورد از EVS (۲۰۱۷) و WVS (۲۰۱۵) انجام می‌شود که عبارت‌اند از: "برای شکوفایی کامل استعدادهای خود، باید شغل داشته باشید"، "دریافت پول بدون کار کردن برای آن تحقیرآمیز است"، "افرادی که کار نمی‌کنند تنبل می‌شوند"، "کار یک وظیفه در برابر جامعه است" و "کار همیشه باید اولویت باشد، حتی اگر این امر به‌معنای اوقات فراغت کمتری باشد." این معیار در تحقیقات قبلی در زمینه اخلاق کاری وبر استفاده شده است (نوریس و اینگلهارت، ۲۰۱۱: ۱۶۴؛ استام و دیگران، ۲۰۱۳) و به‌طور خاص اخلاق کار را در جایی که کار به‌عنوان یک وظیفه تلقی می‌شود، به تصویر می‌کشد. شاخص با گرفتن حداقل سه نمره معتبر از پنج نمره ساخته می‌شود: یعنی از ۱، به‌عنوان اخلاق کاری کم تا ۵، به‌عنوان اخلاق کاری بالا. متغیرهای اصلی و مستقل شامل سطح توسعه اقتصادی، رشد اقتصادی و تبعیت از پروتستان هستند. در این مقاله سطح توسعه را با سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی را با رشد سرانه تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌کنیم.

هر دو شاخص در طول دوره اجتماع‌پذیری از کودکی اندازه‌گیری می‌شوند. سرانه تولید ناخالص داخلی و داده‌های رشد از پایگاه داده پروژه مدیسون، به‌دست می‌آید (بولت و همکاران، ۲۰۱۸). تمرکز روی سطح رشد تا ۱۰ سالگی فرد است. تصور می‌کنیم که نگرش نسبت به کار در طول سال‌های کودکی، معمولاً از حدود تولد تا ۱۰ سالگی ایجاد می‌شود. به‌عنوان مثال مسن‌ترین پاسخ‌دهنده نمونه ما در سال ۱۹۲۰ متولد شده است. سطح توسعه در طول سال‌های کودکی این پاسخ‌دهنده، میانگین سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد آن بین سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ است.

همین رویکرد در رویکرد اپیدمیولوژیک نیز اعمال می‌شود. هنگام اندازه‌گیری سطح توسعه کشور مادر،

بر مرحله توسعه کشور در سال‌های کودکی مادر تمرکز می‌کنیم. برای مثال، اگر پاسخ‌دهنده متولد ۱۹۵۰ باشد، انتظار داریم والدین آنها در حدود سال ۱۹۲۵ به دنیا بیایند. ما دوره ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵ را معیار قراردادیم تا برای آن سطح و رشد توسعه اقتصادی را محاسبه کنیم.

در EVS و WVS از پاسخ‌دهندگان سؤال می‌شود که آیا آنها به یک فرقه مذهبی تعلق دارند یا خیر و اگر چنین است، به کدام یک. ما همچنین افرادی را که خود را باپتیست یا متدیست می‌دانند، به مجموعه اضافه کردیم، زیرا وبر به‌طور خاص از این فرقه‌ها نام می‌برد. انجیلی‌ها نیز به‌عنوان پیروان پروتستان شمرده می‌شوند. متغیر ساختگی پروتستان در خصوص پروتستان، باپتیست‌ها، متدیست‌ها و انجیلی‌ها با عدد ۱ و سایر دسته‌ها از جمله غیرمذهبی‌ها با عدد ۰ شناسایی می‌شود. درصد پایبندی به پروتستان به‌ازای هر کشور از منابع داده‌های مذهبی ایالت‌ها جمع‌آوری شده است (ویلیامز و همکاران، ۲۰۱۹). این مجموعه داده، تخمین چندین منبع تاریخی و امروزی را باهم ترکیب می‌کند. از درصد پروتستان‌های این مجموعه داده برای نشان دادن پایبندی به پروتستان در یک جامعه استفاده می‌کنیم. چندین متغیر دیگر برای کنترل خصوصیات فردی و محیط اقتصادی، نهادی و اجتماعی گنجانده شده است. متغیرهای نشان‌دهنده خصوصیات افراد عبارت‌اند از: سن، مجذور سن، وضعیت اشتغال، جنسیت و تحصیلات. وضعیت اشتغال شامل موارد زیر می‌شود: تمام‌وقت، نیمه‌وقت، بیکار، بازنشسته، دانشجو و سایر موارد. بالاترین سطح تحصیلی کسب‌شده به هشت دسته تقسیم می‌شود: از "آموزش مقدماتی ناکافی تکمیل‌شده" تا "درجات دانشگاهی".

برای افزایش دقت نتایج، متغیرهای دین‌داری پاسخگو، اعتماد اجتماعی، نابرابری درآمد و امتیاز سیاسی را نیز اضافه کردیم. دین‌داری برای هر پاسخ‌دهنده از چهار سؤال EVS / WVS محاسبه می‌شود: آیا پاسخ‌دهنده عضوی از یک جامعه مذهبی است، آیا او به بهشت ایمان دارد، آیا به جهنم اعتقاد دارد و آیا پاسخ‌دهنده حداقل یک‌بار در ماه از مکان‌های مذهبی بازدید می‌کند (بارو و مک کلیری، ۲۰۰۳). اعتماد اجتماعی با در نظر گرفتن متوسط پاسخ هر کشور به این سؤال از EVS / WVS بررسی می‌شود که "آیا فکر می‌کنید به اکثر مردم می‌توان اعتماد کرد، یا اینکه نمی‌توانید خیلی مراقب باشید؟" نابرابری درآمد، که از نمره جینی به‌دست می‌آید، از پایگاه داده نابرابری درآمد جهانی استاندارد جمع‌آوری می‌شود (سولت، ۲۰۰۹). امتیاز سیاسی، فضای نهادی دموکراتیک را اندازه‌گیری می‌کند. این امتیازات نشان‌دهنده رژیم دموکراتیک یک کشور در مقیاس ۲۱ پونت از محدوده ۱۰- (سلطنت موروثی) تا ۱۰+ (دموکراسی تلفیقی) است که از داده‌های مرکز صلح سیستمی به دست می‌آید. امواج EVS و WVS که شامل متغیرهای مربوطه هستند، امواج ۵، ۶ و ۷ از WVS و ۳ و ۴ از EVS هستند. تجزیه و تحلیل چند سطحی شامل ۸۷ کشور جهان است که تمام قاره‌ها را پوشش می‌دهد. جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده و منابع آنها را نشان می‌دهد.

۲-۴. روش‌شناسی و مدل رگرسیون

اخلاق کاری پاسخ‌دهنده، به پیروی از پروتستان و سطح توسعه مربوط است. از دو روش در اینجا استفاده می‌شود: (۱) روش مستقیم که در آن اخلاق کاری پاسخ‌دهندگان را با پایبندی به پروتستان و سطح توسعه و رشد توضیح می‌دهد و (۲) رویکرد اپیدمیولوژیک، که اخلاق کار مهاجران نسل دوم را با پایبندی به پروتستان و سطح توسعه و رشد کشور مادر توضیح می‌دهد. روش اول تجزیه و تحلیل دوسطحی است که با معادله زیر برآورد شده است:

$$\text{work ethic}_{ic} = \gamma_0 + \gamma_1 \text{DEV}_j + \gamma_2 \text{DEV}_j^2 + \gamma_3 \text{GROWTH}_j + \gamma_4 \text{GROWTH}_j^2 + \gamma_5 \text{Prot}_{ic} + \gamma_6 X_{ic} + \gamma_7 \text{CNT}_c + u_j + \varepsilon_{ic}$$

اندیس i به سطح فردی، c به کشور جاری و j به سطح کشور در طول سال‌های کودکی پاسخ‌دهنده اشاره دارد. اخلاق کاری یک فرد با سطح توسعه کشور (DEV) و مجذور آن (DEV^2) و رشد و مجذور آن (GROWTH^2) در طول سال‌های کودکی پاسخ‌دهندگان توضیح داده می‌شود، متغیر ساختگی، نشان‌دهنده این است که آیا پاسخ‌دهنده به پروتستان‌تیسیم پایبند است (پروت)، بردار کنترل‌های فردی (X)، اثرات ثابت کشور (CNT) و جمله خطا، (u_j and ε_{ic}) است.

فرضیه ما این است که ویژگی‌های اقتصادی ارزش‌های فردی را تعیین می‌کنند. مهم‌ترین سال‌ها برای رشد ارزش‌های فردی، سال‌های کودکی است که تا حدود ۱۰ سال است. از آنجا که آموزش‌ها و شرایط اقتصادی به سرعت تغییر نمی‌کنند، ممکن است برآورد ما از اخلاق کاری مغرضانه باشد، زیرا همبستگی زیادی بین آموزش‌های فعلی و سال‌های کودکی پاسخ‌دهندگان وجود دارد. به منظور اصلاح این تعصب، از رویکرد اپیدمیولوژیک استفاده می‌کنیم. این روش در مطالعات متعدد دیگری نیز مورد استفاده قرار گرفته است (الگان و کاهوک، ۲۰۱۰؛ کریستوپولو و لیلارد، ۲۰۱۵؛ فرناندز و فوگلی، ۲۰۰۶؛ ون هورن، ۲۰۱۹). و فرض می‌کند که والدین ارزش‌های خود را به فرزندان خود منتقل می‌کنند (انتقال عمودی). در صورت صحت این موضوع، وقایعی که در سال‌های کودکی والدین مرتبط بوده‌اند، هنوز به‌طور غیرمستقیم بر ارزش‌های فرزندان آنها تأثیر می‌گذارند. باتوجه به این واقعیت که آموزش‌های ملی به آرامی تغییر می‌کنند، اگر والدین در سال‌های کودکی خود در کشوری دیگر غیر از کشور محل تولد و رشد فرزندان خود، زندگی کرده باشند، می‌توان این انتقال بین نسلی را به‌طور مناسب آزمایش کرد. مهاجران نسل دوم این معیار را دارند.

جدول ۱: آمار توصیفی

متغیر	میانگین	میانه	مینیمم	ماکزیمم	منبع	تعاریف
متغیر وابسته						
اخلاق کاری	۳/۷۱	۰/۷۷	۱	۵	بررسی ارزش‌های جهانی و مطالعه ارزش‌های اروپا (WVS / EVS)	نگرش نسبت به کار
مشخصات کشور						
لگاریتم سرانه تولید ناخالص داخلی ۱۰ سالگی	۱/۳۳	۰/۹۱	-۱/۲۸	۳/۲۲	پایگاه داده مدیسون	لگاریتم میانگین سرانه تولید ناخالص داخلی از زمان تولد پاسخ‌دهنده تا ۱۰ سالگی
رشد سرانه تولید ناخالص داخلی، تا ۱۰ سالگی	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۳۳	۰/۱۷	پایگاه داده مدیسون	میانگین سرانه تولید ناخالص داخلی از زمان تولد پاسخ‌دهنده تا ۱۰ سالگی
اعتماد اجتماعی	۰/۳۰	۰/۱۹	۰/۰۲	۰/۷۷	WVS/EVS	مجموع شاخص اعتماد "آیا می‌توان به مردم اعتماد کرد یا شما نمی‌توانید خیلی مراقب باشید"
ضریب جینی	۴۷/۲۴	۶/۲۲	۳۱/۳۷	۶۵/۳۸	پایگاه داده نابرابری درآمد جهانی استاندارد	شاخص نابرابری، نشان‌دهنده نابرابری عدد بالاتر بیشتر است
امتیاز سیاسی	۶/۷۷	۷/۵۷	-۱۰	۱۰	مرکز صلح سیستمی	رژیم دموکراتیک کشور، عدد بالاتر یعنی کشور دموکراتیک‌تر است
% پابندی به پروتستان	۰/۱۶	۰/۲۴	۰	۰/۹۸	پایگاه داده ویژگی‌های مذهبی ایالت‌ها	% افراد پیرو آیین پروتستان

خصوصیات کشور اجدادی مادری						
لگاریتم میانگین سرانه تولید ناخالص داخلی از تولد مادران تا ۱۰ سالگی	پایگاه داده مدیسون	۱۰/۲۲	۶/۶۱	۰/۹۰	۸/۶۱	لگاریتم سرانه تولید ناخالص داخلی × ۱۰۰۰، تا ۱۰ سالگی
میانگین سرانه تولید ناخالص داخلی از تولد مادران تا ۱۰ سالگی	پایگاه داده مدیسون	۰/۰۸۹	-۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۳	رشد سرانه تولید ناخالص داخلی، تا ۱۰ سالگی
% افراد پیرو آیین پروتستان در کشور مادران	پایگاه داده ویژگی‌های مذهبی ایالت‌ها	۰/۹۵	۰	۰/۳۳	۰/۲۶	% پایبندی به پروتستان
متغیرهای فردی						
اینکه پاسخ‌دهنده متعلق به یک مذهب پروتستان باشد	WVS/EVS	۱	۰	۰/۳۷	۰/۱۶	پروتستان
سن در سال / ۱۰۰	WVS/EVS	۱	۰	۰/۱۷	۰/۴۳	سن
جنسیت	WVS/EVS	۱/۰۸	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۵۳	زن
شدت یا پایبندی مذهبی	WVS/EVS	۱	۰	۰/۳۶	۰/۶۱	دین‌داری
اینکه آیا پاسخ‌دهنده صرفه‌جویی را یکی از ویژگی‌های مهم کودک می‌داند	WVS/EVS	۱	۰	۰/۴۸	۰/۳۵	صرفه‌جویی
وضعیت استخدام پاسخ‌دهنده	WVS/EVS	۸	۱			وضعیت شغلی
					۰/۳۷	تمام وقت
					۰/۰۸	نیمه وقت
					۰/۱۰	شغل آزاد
					۰/۱۵	بازنشسته
					۰/۱۳	خانه‌دار
					۰/۰۷	دانش‌آموز
					۰/۰۸	بیکار

					۰/۰۲	دیگر
بالاترین سطح تحصیلات	WVS/EVS	۸	۱			تحصیلات
					۰/۰۷	بی سواد
					۰/۱۳	ابتدایی
					۰/۱۱	آموزش فنی / حرفه‌ای ناقص
					۰/۱۷	آموزش کامل فنی / حرفه‌ای
					۰/۱۲	تحصیلات مقدماتی دانشگاه ناقص
					۰/۱۹	تحصیلات مقدماتی دانشگاه کامل
					۰/۰۸	تحصیلات دانشگاهی ناقص
					۰/۱۴	تحصیلات دانشگاهی کامل
دینی که پاسخ‌دهنده به آن پایبند است	WVS/EVS	۶	۰			فرقه مذهبی
					۰/۱۴	پروتستانتیسم
					۰/۰۳	آیین بودا
					۰/۰۲	هندو
					۰/۱۸	اسلام
					۰/۱۳	ارتدکس
					۰/۳۲	کاتولیک رومی
					۰/۱۸	بی‌دین

مشابه تحقیق فرناندز و فوگلی (۲۰۰۶)، ما کشور مبدا مادر مهاجران را در نظر می‌گیریم. انتظار داریم که تأثیر شرایط اقتصادی در طول سال‌های کودکی مادران از تأثیر شرایط اقتصادی در سال‌های کودکی خود پاسخ‌دهندگان، ضعیف‌تر باشد. معادله این رویکرد اپیدمیولوژیک بدین ترتیب است:

$$work\ ethic_{ic} = \gamma_0 + \gamma_1 DEV_h + \gamma_2 DEV_h^2 + \gamma_3 GROWTH_h + \gamma_4 GROWTH_h^2 + \gamma_5 Protadh_h + \gamma_6 X_{ic} + \gamma_7 CNT_c + \gamma_7 AncCNT_h + u_h + u_c + \varepsilon_{ic}$$

اندیس h کشور وطن مادر را در سال‌های کودکی مادر نشان می‌دهد. با معادله (۱) متفاوت است زیرا در این معادله اکنون متغیرهای مستقل نشان‌دهنده پایبندی به پروتستان در کشور مادر (Protadh) در طول سال‌های کودکی مادر و اثرات ثابت برای کشور مادر (AncCNT) است. متغیرهای ساختگی کشور میزبان و مادر برای اصلاح اثر عوامل کشور میزبان و مادر در اخلاق کار یک پاسخ‌دهنده گنجانده شده است. کشور زادگاه، کشور اجدادی مادر است، کشور میزبان، کشوری است که پاسخ‌دهنده در آن متولد شده است.

۵. نتایج کمی تخمین اخلاق کاری

۵-۱. تجزیه و تحلیل چند سطحی: سطح توسعه در طول سال‌های کودکی و اخلاق کاری

فرضیه ما این است که سطح و رشد توسعه اقتصادی بر اخلاق کاری تأثیر دارد. به نظر می‌رسد سرانه تولید ناخالص داخلی، در ابتدا تأثیری مثبت بر اخلاق کاری دارد و سپس این تأثیر کاهش و حتی منفی می‌شود، در حالی که رشد تأثیر مثبتی بر اخلاق کاری دارد. این امر با ضریب مثبت برای DEV و ضریب منفی برای DEV₂ و ضریب مثبت برای رشد در معادله (۱) نشان داده شده است. مدل رگرسیون با این متغیرها و متغیرهای کنترلی فرضیه ما را تأیید می‌کند (جدول ۲، ستون ۱). رشد در طول اجتماع‌پذیری دوران کودکی نه تنها تأثیر مثبتی بلکه تأثیر مثبت فزاینده‌ای بر اخلاق کاری دارد که با علامت رشد مثبت و مجذور مثبت رشد نشان داده می‌شود. فرضیه وبر این است که پیروی از پروتستان بر اخلاق کار تأثیر مثبت می‌گذارد. این فرضیه نیز تأیید می‌شود (جدول ۲، ستون ۲). اگر تبعیت از پروتستان، سرانه تولید ناخالص داخلی (سطح و مجذور) و رشد (سطح و مجذور) به‌طور هم‌زمان در معادله گنجانده شوند، این رابطه همچنان برقرار است (جدول ۲، ستون ۳). سطح و سرانه تولید ناخالص داخلی و پروتستان نیز ضرایب و نشانه‌های مشابهی دارند. با مقایسه ضرایب ستون ۲ و ۳ پروتستانیسم و ستون ۱ و ۳ برای سرانه تولید ناخالص داخلی، درمی‌یابیم که ضریب متغیر ساختگی پروتستان بیش از ضریب سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد کاهش می‌یابد.

باتوجه به تأثیر اندازه پایبندی به پروتستان بر اخلاق کاری، درمی‌یابیم که پیروی از آیین پروتستان معادل ۲۵٪ انحراف معیار اخلاق کار است. اخلاق کاری یک مقیاس پنج امتیازی است و پیروی از پروتستانیسم در مقایسه با سایر ادیان و مذاهب گرایان، اخلاق کار را ۰/۰۱۷۶ افزایش می‌دهد. برای میانگین متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی اثر حاشیه‌ای را محاسبه می‌کنیم. سطح سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد در میانگین ۰/۰۳۱۲ بر اخلاق کار تأثیر ناچیزی دارد. این تقریباً دو برابر تأثیر عامل پروتستان است.

متغیرهای کنترلی فردی نشان می‌دهند که وقتی متغیرهای سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد در سطح و معیارهای مجذور در طول جامعه‌پذیری دوره کودکی را اضافه می‌کنیم، اخلاق کاری با افزایش سن افزایش می‌یابد. اگر این متغیرها در رگرسیون قرار نگیرند، تأثیر منفی در اخلاق کار کاهش می‌یابد (جدول ۲، ستون ۲). به جز در مدل رگرسیون بدون سرانه تولید ناخالص داخلی، مردان نسبت به زنان و افرادی که تمام وقت کار می‌کنند نسبت به سایرین از اخلاق کاری بالاتری برخوردار هستند. پس از آن، پاسخ‌دهندگان بازنشسته اخلاق کاری غیرمنتظره بالاتری دارند (جدول ۲، ستون ۲). پاسخ‌دهندگان با مدرک دانشگاهی یا بالاتر در مقایسه با پاسخ‌دهندگان با سایر مدارک تحصیلی کمترین اخلاق کاری را دارند.

اندازه تأثیر تبعیت از پروتستان در حدود یک‌سوم تأثیر جنسیت بر اخلاق کاری است. به عبارت دیگر، تأثیر پایبندی به پروتستان بر اخلاق کاری مثبت است، اما سایر خصوصیات فردی، مانند جنسیت و وضعیت شغلی، تأثیر بیشتری دارند.

۵-۲. بررسی قدرت تجزیه و تحلیل چند سطحی

در این بخش بررسی می‌کنیم که آیا رابطه بین اخلاق کار و توسعه اقتصادی همچنان در هنگام محاسبه مکانیزم‌های تعدیل‌کننده احتمالی (جدول ۳)، سطح کشور-زمان (جدول ۴) و استفاده از معیارهای مختلف برای دین (جدول ۵) برقرار است یا خیر.

جدول ۲: تجزیه و تحلیل چند سطحی برآورد اخلاق کاری

(۳)	(۱)	
		سطح سال‌های کودکی
***۰/۰۴۹۶ (۴/۵۰)	***۰/۰۵۰۲ (۴/۵۶)	سرانه تولید ناخالص داخلی تا ۱۰ سالگی، لگاریتم
***-۰/۰۲۹۶ (-۱۰/۷۸)	***-۰/۰۲۹۸ (-۱۰/۸۵)	سرانه تولید ناخالص داخلی ۸ تا ۲۰ سالگی، لگاریتم
***۰/۱۸۴ (۲/۹۵)	***۰/۱۸۴ (۲/۹۵)	رشد تولید ناخالص داخلی تا ۱۰ سالگی
***۱/۱۶۸ (۳/۱۱)	***۱/۱۶۷ (۳/۱۱)	رشد تولید ناخالص داخلی ۸ تا ۲۰ سالگی

سطح فردی		
۰/۰۱۷۶*** (۳/۳۸)		پروتستان
۰/۷۱۴*** (۵/۹۲)	۰/۷۱۴*** (۵/۹۲)	سن
۰/۸۴۴*** (۶/۸۳)	۰/۸۵۴*** (۶/۹۱)	سن به توان ۲
-۰/۰۶۰۰*** (-۱۸/۳۴)	-۰/۰۵۹۸ (-۱۸/۲۸)	زن
وضعیت شغلی، تمام وقت = مرجع		
-۰/۰۶۷۷*** (-۱۱/۰۷)	-۰/۰۶۷۶*** (-۱۱/۰۶)	نیمه وقت
-۰/۰۱۰۰* (-۰/۸۳)	-۰/۰۱۰۱* (-۱/۸۳)	شغل آزاد
۰/۰۱۰۴ (۱/۵۴)	۰/۰۱۰۵ (۱/۵۶)	بازنشسته
-۰/۰۹۳۰*** (-۱۶/۲۹)	-۰/۰۹۳۲*** (-۱۶/۳۱)	خانه دار
-۰/۵۵۰۸*** (-۱۱/۷۲)	-۰/۰۸۵۶*** (-۱۱/۷۲)	محصل
-۰/۰۷۹۳*** (-۱۳/۱۱)	-۰/۰۷۹۵*** (-۱۳/۱۵)	بیکار
-۰/۱۲۴*** (-۱۱/۴۰)	-۰/۱۲۴*** (-۱۱/۴۱)	دیگر

آموزش، بدون آموزش = مرجع		
تحصیلات ابتدایی	۰/۰۰۵۱۳ (۰/۶۸)	۰/۰۰۴۹۹ (۰/۶۶)
آموزش فنی / حرفه‌ای ناقص	-۰/۰۲۶۴* (-۳/۴۱)	-۰/۰۲۶۶*** (-۳/۴۴)
آموزش کامل فنی / حرفه‌ای	-۰/۰۵۳۹*** (-۷/۱۵)	۰/۰۵۴۱*** (-۷/۱۸)
تحصیلات مقدماتی دانشگاه ناقص	-۰/۰۶۲۷*** (-۷/۸۴)	-۰/۰۶۲۸*** (-۷/۸۶)
تحصیلات مقدماتی دانشگاه کامل	-۰/۱۱۰*** (-۱۴/۴۵)	-۰/۱۱۰*** (-۱۴/۴۷)
تحصیلات دانشگاهی ناقص	-۰/۱۶۳*** (-۱۸/۳۸)	-۰/۱۶۳*** (-۱۸/۴۰))
تحصیلات دانشگاهی کامل	-۰/۱۸۶*** (-۲۲/۷۱)	-۰/۱۸۶*** (-۲۲/۷۰)
اثرات ثابت	کشور	کشور
مشاهدات	۲۰۷۲۶۵	۲۰۷۲۶۵

توجه: تجزیه و تحلیل چند سطحی برآورد اخلاق کاری، دوسطحی که مورد استفاده قرار می‌گیرند، سال‌های کودکی و سطوح فردی هستند. همه داده‌ها به جز داده‌های تولید ناخالص داخلی که از پروژۀ مدیسون گرفته شده از WVS و EVS جمع‌آوری شده است. p

۰.۱.۰ > p ***، ۰.۵.۰ > p **، * ۱.۰ >

در مرحله اول، احتمال تأثیر تعدیل‌کنندگی پروتستانیسم و سطح توسعه را آزمایش می‌کنیم. این احتمال وجود دارد که مردم در مرحله مدرنیزاسیون به پروتستانیسم پایبند باشند، که این امر منجر به اخلاق کار بالاتر می‌شود. از طرف دیگر، پروتستانیسم می‌تواند در اخلاق کاری تأثیر بگذارد، اما فقط در زمان توسعه اقتصادی. ما یک رگرسیون داریم که در آن تبعیت از پروتستان با سطح و رشد توسعه اقتصادی تعامل دارد (جدول ۳، ستون ۱). متغیرها در سطح سال‌های کودکی هنوز علائم مشابه و ضرایب مشابه دارند. ضرایب تعامل برای شاخص‌های غیر مجذور سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد

قابل توجه است. ضریب منفی تعامل بین رشد و پابندی به پروتستان را نشان می‌دهد که وقتی فرد به آیین پروتستان پایبند باشد، رابطه مثبت رشد با اخلاق کاری، مقداری کاهش می‌یابد.

جدول ۳: تجزیه و تحلیل برآورد اثر تعدیل کننده چندسطحی اخلاق کاری

(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
	اخلاق کار	اخلاق کار		
سطح سال های کودکی				
۰/۱۲۵*** (۸/۸۴)	۰/۰۴۸۱*** (۴/۳۶)	۰/۰۵۳۱*** (۴/۸۴)	۰/۰۵۰۲*** (۴/۴۶)	سرانه تولید ناخالص داخلی تا ۱۰ سالگی، لگاریتم
-۰/۰۱۶۶*** (-۳/۶۶)	-۰/۰۲۹۹*** (-۱۰/۸۹)	-۰/۰۲۹۳*** (-۱۰/۶۹)	-۰/۰۲۹۳*** (-۱۰/۲۱)	تولید ناخالص داخلی سرانه ۲۸ تا سن ۱۰ سالگی، لگاریتم
۰/۳۷۴*** (۳/۰۳)	۰/۱۸۱*** (۲/۹۱)	۰/۱۶۷*** (۲/۶۸)	۰/۲۹۶*** (۴/۱۷)	رشد تولید ناخالص داخلی تا ۱۰ سالگی
۰/۴۱۵ (۰/۴۴)	۱/۱۹۳*** (۳/۱۸)	۱/۱۷۸*** (۳/۱۵)	۱/۳۸۴*** (۳/۶۲)	رشد تولید ناخالص داخلی ۲۸ تا ۱۰ سالگی
				سال های کودکی X سطح فردی، تعامل
				لگاریتم سرانه تولید ناخالص داخلی تا سن ۱۰ سالگی X پروتستان
				سرانه تولید ناخالص داخلی ۲۸ تا سن ۱۰ سالگی، X لگاریتم پروتستان
				رشد تولید ناخالص داخلی تا ۱۰ سالگی پروتستان

			-۰/۱۵۹ (-۰/۰۹)	رشد تولید ناخالص داخلی ۲۸ تا ۱۰ سالگی پروتستان
-۰/۰۲۴۵*** (-۱۲/۰۶)				سرانه تولید ناخالص داخلی تا سن ۱۰ سالگی، لگاریتم X بالاترین سطح تحصیلات
۰/۰۰۰۷۰۶ (۰/۹۳)				تولید ناخالص داخلی سرانه ۲۸ تا سن ۱۰ سالگی، لگاریتم X بالاترین سطح تحصیلات
-۰/۰۴۳۶* (-۱/۸۸)				رشد تولید ناخالص داخلی تا ۱۰ سالگی، لگاریتم X بالاترین سطح تحصیلات
۰/۱۰۴ (۰/۶۴)				رشد تولید ناخالص داخلی ۲۸ تا سن ۱۰ سالگی، لگاریتم X بالاترین سطح تحصیلات
سطح فردی				
۰/۰۱۵۶*** (۳/۰۰)	۰/۰۷۸۸*** (۷/۱۱)	۰/۰۴۱۳*** (۳/۵۸)	۰/۰۲۱۵** (۲/۰۹)	پروتستان
		۰/۱۷۷*** (۳۲/۳۹)		دین داری
		-۰/۰۷۵۴*** (۰۴/۹۹)		پروتستان X دین داری، تعامل
	-۰/۰۱۲۹*** (-۶/۲۲)			پروتستان X بالاترین سطح تحصیلات، تعامل

کشور	کشور	کشور	کشور	اثرات ثابت
۲۰۷۲۶۵	۲۰۷۲۶۵	۲۰۷۲۶۵	۲۰۷۲۶۵	مشاهدات

توجه: تجزیه و تحلیل چند سطحی برآورد اخلاق کار. دوسطحی که مورد استفاده قرار می‌گیرند، سال‌های کودکی و سطوح فردی هستند. همه داده‌ها به جز داده‌های تولید ناخالص داخلی که از پروژه مدیسون گرفته شده از WVS و EVS جمع‌آوری شده است. متغیرهای دیگری که در آنالیز گنجانده شده‌اند، اما نشان داده نشده‌اند، سن، مجذور سن، جنسیت، تحصیلات و وضعیت شغلی هستند. $p > 0.10$ ، $p > 0.05$ ، $p > 0.01$.

شدت تبعیت از پروتستان می‌تواند در رابطه بین پروتستانیسم و اخلاق کاری تأثیر بگذارد. ما شدت مذهب افراد را با دین‌داری می‌سنجیم که با پیروی از پروتستان تعامل دارد و آن را با پایبندی به پروتستان می‌سنجیم. تبعیت و دین‌داری پروتستانی هر دو تأثیر مثبتی در اخلاق کاری دارند، اما اثر متقابل بین آنها منفی است (جدول ۳، ستون ۲). به این معنا که پروتستان‌هایی که کمتر مذهبی هستند، اخلاق کاری بالاتری نسبت به پروتستان‌های مذهبی دارند.

تحصیلات ممکن است تأثیر مهمی در نتایج داشته باشد. بکر و ووسمن (۲۰۰۹) و شالتگر و تورگلر (۲۰۱۰) دریافتند که تحصیلات هنگام تحلیل اخلاق پروتستان و بر نقش مهمی را ایفا می‌کند. بکر و ووسمن استدلال می‌کنند که تشکیل سرمایه انسانی باسواد، محرک رونق اقتصادی است، نه اخلاقیات مربوط به پروتستانیسم. شالتگر و تورگلر دریافتند که اخلاق کاری تحت تأثیر تعامل بین فرقه‌های مذهبی، یعنی پیروی از پروتستان و تحصیلات است. در تجزیه و تحلیل جدول ۲ قبلاً بالاترین درجه تحصیلی را در سطح فردی به‌عنوان یک متغیر کنترلی در نظر گرفته‌ایم. در جدول ۳، ستون ۳، بررسی می‌کنیم که آیا تعامل بین پایبندی به پروتستان و تحصیلات از اهمیت برخوردار است یا خیر. برای سهولت تفسیر، بالاترین سطح تحصیلات در حال حاضر به یک متغیر پیوسته تبدیل می‌شود. ضریب مثبت چسبندگی پروتستان نسبت به ضریب موجود در ستون ۳ جدول ۲ بیش از عامل ۴ افزایش می‌یابد. رابطه اصلی مورد بررسی ما، بین رشد و سطح توسعه اقتصادی و اخلاق کاری، تغییری نمی‌کند. جدول ۳، ستون ۴ برآورد تعامل بین سطح و رشد توسعه اقتصادی با بالاترین سطح تحصیلات فردی را ارائه می‌دهد. ضریب تعامل بین تحصیلات و سطح توسعه منفی است. افرادی که تحصیلات کمتری دارند در کشورهایی که سطح سرانه تولید ناخالص داخلی بیشتری دارند، اخلاق کاری بالاتری دارند. بعلاوه، وقتی رشد بالایی وجود دارد، اخلاق کاری بالاست و حتی در افرادی که تحصیلات کمی دارند، بالاتر است. افرادی که کمترین تحصیلات را دارند، وقتی کشور در مرحله رشد بالایی قرار دارد، بالاترین اخلاق کاری را دارند. این می‌تواند بیانگر این باشد که افراد متعلق به طبقات پایین جامعه بیشترین سود را در طی گذار به مدرنیزاسیون دارند. این افراد می‌توانند در چنین شرایطی اخلاق کاری بالایی کسب کنند زیرا سرانجام با سخت‌کوشی می‌توانند به جایی برسند.

جدول ۴: تجزیه و تحلیل چند سطحی برآورد اخلاق کاری با متغیرهای کنترلی کشور به سال.

(۳)	(۲)	(۱)	
سطح سال‌های کودکی			
۰/۰۴۵۷*** (۳/۰۷)	۰/۰۴۵۵*** (۳/۰۶)	۰/۰۳۳۷*** (۳/۰۴)	سطح سرانه تولید ناخالص داخلی تا سن ۱۰ سالگی، لگاریتم
-۰/۰۳۹۸*** (-۱۰/۴۳)	-۰/۰۴۰۰*** (-۱۰/۴۸)	-۰/۰۲۵۴*** (-۸/۹۵)	سرانه تولید ناخالص داخلی تا ۲۸ سن ۱۰ سالگی، لگاریتم
۰/۱۵۶** (۱/۹۷)	۰/۱۲۵ (۱/۵۹)	۰/۱۸۱*** (۲/۹۹)	رشد تولید ناخالص داخلی تا سن ۱۰ سالگی، لگاریتم
۱/۳۴۶*** (۲/۸۹)	۱/۳۷۹*** (۲/۹۶)	۱/۱۷۸*** (۳/۱۶)	رشد تولید ناخالص داخلی تا ۲۸ سن ۱۰ سالگی، لگاریتم
سطح کشور به سال			
		۰/۱۳۵*** (۳/۹۷)	اعتماد اجتماعی
	-۰/۰۵۸۴*** (-۴/۵۶)		ضریب جینی
	۰/۰۰۰۶۹۷*** (۴/۸۵)		مجذور ضریب جینی
-۰/۰۰۰۲۷۵*** (-۵/۰۱)			امتیاز سیاسی
سطح فردی			
۰/۰۰۲۷۱ (۰/۴۲)	۰/۰۰۲۷۶ (۰/۴۳)	۰/۰۱۲۸** (۲/۳۹)	پروتستان
کشور	کشور	کشور	اثرات ثابت
۱۲۰۹۳۲	۱۲۰۹۳۲	۲۰۴۷۳۳	مشاهدات

توجه: تجزیه و تحلیل چند سطحی برآورد اخلاق کاری. دوسطحی که مورد استفاده قرار می‌گیرند، سال‌های کودکی و سطوح فردی هستند. متغیرهای دیگری که در آنالیز گنجانده شده‌اند. اما نشان داده نشده‌اند، سن، جذر سن، جنسیت، تحصیلات و وضعیت شغلی هستند. $p > 0.1$ ، $p > 0.05$ ، $p > 0.01$.

جدول ۵: بررسی قدرت تجزیه و تحلیل چند سطحی.

(۲)	(۱)	
اخلاق کاری	اخلاق کاری	سطح سال‌های کودکی
۰/۰۵۸۱*** (۳/۹۰)	۰/۰۵۵۹*** (۴/۸۷)	سرانه تولید ناخالص داخلی تا ۱۰ سالگی، لگاریتم
-۰/۰۴۰۰*** (-۱۰/۴۲)	-۰/۰۲۹۰*** (-۱۰/۱۰)	سرانه تولید ناخالص داخلی ۸ تا ۲ سن ۱۰ سالگی، لگاریتم
۰/۱۶۷** (۲/۱۳)	۰/۲۱۷*** (۳/۳۹)	رشد تولید ناخالص داخلی تا ۱۰ سالگی
۱/۴۴۴*** (۳/۱۱)	۱/۱۳۲*** (۲/۹۷)	رشد تولید ناخالص داخلی ۸ تا ۱۰ سالگی
سطح کشور به سال		
-۰/۰۰۸۹۹*** (-۳/۶۳)		۸ طرفداران پروتستان
سطح فردی		
	-۰/۰۰۵۹۸ (-۰/۴۴)	بودایی
	۰/۰۴۰۰*** (۲/۰۴)	هندی
	۰/۰۶۳۷*** (۶/۹۰)	اسلام
	۰/۰۰۳۶۸ (۰/۳۴)	ارتدکس

	***۰/۰۴۲۱	کاتولیک رومی
	(۶/۵۴)	
	***-۰/۰۹۰۸	بی‌دین
	(-۱۴/۱۵)	
کشور	کشور	سطح اثرات ثابت
۱۱۷۹۲۲	۱۹۰۴۴۵	مشاهدات

توجه: تجزیه و تحلیل چند سطحی اخلاق کار، ستون ۱ دارای دو سطح است: سطح فردی و سال‌های کودکی. ستون ۲ همچنین شامل سطح کشور به سال است. سطح کنترل فردی شامل، سن، جذر سن، وضعیت شغلی، جنسیت و تحصیلات نشان داده نشده است.

۱. $p < .۰۵$ ، * $p < .۰۱$ ، *** $p < .۰۰۱$.

تاکنون، فرض ما بر این بوده است که اخلاق کاری افراد، تحت تأثیر ارزش‌های آنها قرار می‌گیرد، زیرا اینها در طی سال‌های کودکی و خصوصیات فردی آنها شکل گرفته است. با این حال، شرایط اجتماعی، اقتصادی و نهادی موجود در یک کشور می‌تواند بر اخلاق کاری نیز تأثیر بگذارد. این سه نوع شرط را متعاقباً با گنجانیدن شاخص اعتماد اجتماعی، نابرابری درآمد و نهادهای دموکراتیک بررسی می‌کنیم. اعتماد اجتماعی بر اخلاق کاری تأثیر مثبت دارد (جدول ۴، ستون ۱). سطح بالاتر از حد متوسط نابرابری در درآمد، اخلاق کاری را کاهش می‌دهد. رشد سرانه تولید ناخالص داخلی در سال‌های کودکی پروتستان ناچیز است (جدول ۴، ستون ۲). ظاهراً اگر رشد فقط برای ثروتمندان باشد، مردم در اخلاق کاری خود دلسرد می‌شوند. نکته قابل توجه اینکه، امتیاز سیاسی ضریب منفی را نشان می‌دهد (جدول ۴، ستون ۳). این بدان معنی است که سطح بالاتر کیفیت نهادی دموکراتیک باعث کاهش اخلاق در کار می‌شود. پروتستان بودن در رگرسیون‌ها با ضریب جینی و امتیاز سیاسی بی‌اهمیت می‌شود. متغیرهای نشان‌دهنده فرضیه مدرن‌سازی ما همچنان قابل توجه هستند، به جز متغیر رشد وقتی ضریب جینی به رابطه اضافه شود.

و بر اخلاق کاری بالایی را به تعلق به آیین پروتستان نسبت می‌دهد. در بخش ۳ در مورد ادیان دیگر، حتی افراد بدون مذهب، به‌عنوان حاملان احتمالی اخلاق بالا در مرحله خاصی از توسعه کشور خود بحث کردیم. برای اینکه ببینیم پروتستان‌ها در برابر سایر ادیان چگونه ایستادگی می‌کنند، تحلیلی انجام می‌دهیم که شامل یک متغیر ساختگی برای شش دین اصلی در جهان است و پیرو هیچ مذهبی نیست. افرادی که هندو، مسلمان یا کاتولیک رومی هستند از اخلاق کار بالاتری نسبت به پروتستان‌ها برخوردار هستند (جدول ۵، ستون ۱). در تجزیه و تحلیل از اثرات ثابت کشور استفاده می‌کنیم، بنابراین این نتیجه ناشی از تفاوت بین کشورها نیست بلکه در داخل کشورها است. تنها گروهی که در کشور

دارای اخلاق کاری پایین هستند، افرادی هستند که به هیچ دینی اعتقاد ندارند. فرضیه ما در مورد رشد و سطح توسعه اقتصادی معتبر است.

برای تجزیه و تحلیل اینکه آیا واقعاً پایبندی به پروتستان یا رشد کردن در یک جامعه پروتستان است که منجر به اخلاق کار بالاتر می‌شود یا خیر، یک تحلیل چند سطحی را انجام می‌دهیم که در آن درصد طرفداران پروتستان در یک کشور را بررسی می‌کنیم (جدول ۵، ستون ۲). وقتی درصد طرفداران پروتستان در یک کشور بیشتر باشد، اخلاق کاری کمتر است. رابطه با سطح و رشد سرانه تولید ناخالص داخلی مشابه تجزیه و تحلیل قبلی ما است.

۵-۳. رویکرد اپیدمیولوژیک

رویکرد اپیدمیولوژیک بر مهاجران نسل دوم متمرکز است، که اطلاعات مربوط به کشور تولد والدین برای آنها در دسترس است. سه موج EVS / WVS شامل کشور تولد پدر و مادر و مواردی است که برای ایجاد شاخص اخلاق کار استفاده می‌شود. اینها موج ۵ EVS و موج ۶ و ۷ WVS هستند. مطابق با روش معمول، در کشور مبدأ مادر تمرکز می‌کنیم. مهاجران نسل دوم آن دسته از پاسخ‌دهندگان هستند که در کشوری که هم‌اکنون در آن زندگی می‌کنند متولد می‌شوند اما مادری دارند که در کشوری دیگر به دنیا آمده و بزرگ شده است. ما پاسخگویانی را که دارای پدر مهاجر نیستند حذف می‌کنیم تا تأثیرات پدران غیر مهاجر نتیجه را تغییر ندهد. کشورهای مادر اصلی تنها در صورتی شامل می‌شوند که حداقل ۲۰ پاسخ‌دهنده دارای مادری از آن کشور باشند. سطح تحصیلی مادر نیز گنجانده شده است تا بتوانیم تفاوت در اخلاق کاری را که نتیجه تفاوت در سطح تحصیلات مادر است، محاسبه کنیم.

نتایج رگرسیون در جدول ۶، ستون ۱ نشان می‌دهد که سرانه تولید ناخالص داخلی در کشورهای مادر در طول سال‌های کودکی آنها هنوز کوهان شکل است که در رگرسیون قبلی جدول ۲، ستون‌های ۱ و ۳ مشاهده کردیم، سطح معنی‌داری کمتر از قبل است. این نتیجه مورد انتظار بوده و احتمالاً به این دلیل است که مکانیسم، نسبت به موردی که در جدول ۲ وجود داشت مستقیم‌تر است. رشد سرانه تولید ناخالص داخلی در حال حاضر قابل توجه نیست و بنابراین از تحلیل حذف شده است. ضریب رشد غیرمجدور مثبت و معنی‌دار است. در مقاله، متغیر پایبندی به پروتستان را نیز گنجانده‌ایم اما هیچ اطلاعاتی در مورد پایبندی مذهبی مادران نداریم. بنابراین از متغیری استفاده می‌کنیم که نشان‌دهنده درصد پایبندی به پروتستان در کشور مادر از سال‌های کودکی او است. توجه داشته باشید که تجزیه و تحلیل‌ها تأثیرات ثابتی بر سطح کشور مادر (و کشور میزبان پاسخ‌دهنده) داشتند. نتایج در جدول ۶ نشان می‌دهد که اخلاق کاری پاسخ‌دهندگان تحت تأثیر این نیست که مادر آنها در زمانی بزرگ شده که کشورش تعداد نسبتاً زیادی از طرفداران پروتستان داشته است.

اگر از مهاجران نسل دوم که والدین مهاجر از کشورهای مختلف دارند، نمونه‌ای بگیریم، انتظار کاهش اثر شاخص‌های مادر را داریم. در مورد سطح توسعه اقتصادی، همین‌طور است (به جدول ۶، ستون ۲ مراجعه کنید). رشد سرانه تولید ناخالص داخلی با قدرت و اهمیت افزایش می‌یابد، همچنین درصد طرفداران پروتستان نیز افزایش می‌یابد.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، بررسی کردیم که ارزش‌های اخلاقی پروتستان که توسط ماکس وبر ارائه می‌شود، منحصراً به پروتستان‌تیسیم مربوط نیست بلکه به مرحله مدرن‌سازی توسعه اقتصادی مربوط می‌شود. وبر این مرحله از توسعه را در زمان مشاهدات خود در مناطق تحت سلطه پروتستان‌ها مشاهده کرد و نتیجه گرفت که زهد دنیوی از اولویت برای کار و زندگی هوشیار با پروتستان‌تیسیم نشئت می‌گیرد. ما معتقدیم این الگوی ارزشی با مرحله نوسازی توسعه اقتصادی یک منطقه در ارتباط است و بنابراین، در اصل، در هر مذهب یا افراد غیرمذهبی می‌توان آن را مشاهده کرد. ادعای خود را با استفاده از رگرسیون‌های چندسطحی شامل ۸۷ کشور اثبات و به‌منظور تفکیک تأثیر عقاید، از رویکرد اپیدمیولوژیک استفاده کردیم که مهاجران نسل دوم را شامل می‌شود.

جدول ۶: تخمین اخلاق کاری با استفاده از رویکرد اپیدمیولوژیک.

(۲)	(۱)	
اخلاق کاری	اخلاق کاری	سطح سال‌های کودکی مادر
۷/۶۱۱ (۱/۳۹)	*۸/۸۷۸ (۱/۸۸)	سرانه تولید ناخالص داخلی کشور مادر تا ۱۰ سالگی، لگاریتم
*-۰/۵۴۳ (-۱/۷۲)	*-۰/۵۶۳ (-۲/۰۶)	سرانه تولید ناخالص داخلی کشور مادر ۲ تا ۱۰ سالگی، لگاریتم
***۲۱/۲۶ (۳/۱۶)	*۱۱/۶۵ (۱/۹۷)	رشد تولید ناخالص داخلی کشور زادگاه مادر تا ۱۰ سالگی

کشور مادر % طرفداران پروتستان	-۰/۰۶۰۴ (-۱/۶۱)	-۰/۰۹۹۰** (-۲/۳۱)
سطح فردی مادر		
آموزش مادر، بدون آموزش = مرجع		
آموزش فنی / حرفه‌ای ناقص	۴/۴۹۰*** (۶/۶۲)	۰/۳۹۷*** (۵/۳۵)
آموزش کامل فنی / حرفه‌ای	۰/۲۰۱*** (۳/۰۲)	-۰/۱۱۹* (-۱/۷۵)
تحصیلات مقدماتی دانشگاه ناقص	۰/۲۵۳*** (۳/۸۵)	-۰/۰۰۲۶۰ (-۰/۰۴)
تحصیلات مقدماتی دانشگاه کامل	۰/۲۷۰*** (۲/۷۳)	-۰/۲۵۸*** (-۲/۹۵)
تحصیلات دانشگاهی ناقص	۰/۶۴۴*** (۷/۸۳)	۰/۲۷۲*** (۴/۲۱)
تحصیلات دانشگاهی کامل	۰/۲۱۵* (۱/۷۵)	-۰/۰۹۹۲ (۱/۰۶)
تحصیلات مادر، مداوم		
اثرات ثابت	کشور مادر و کشور میزبان مادران	
نمونه	با مادران و پدران مهاجر	با مادران مهاجر و پدر با یک کشور تولد متفاوت
مشاهدات	۲۱۱۵	۲۰۳۹

توجه: تجزیه و تحلیل چندسطحی تخمین اخلاق کار. دوسطحی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، سال‌های کودکی مادر و سطح فردی است. متغیرهای دیگری که در آنالیز گنجانده شده، اما نشان داده نشده‌اند، سن، جذر سن، جنسیت، تحصیلات و وضعیت شغلی هستند.

نمونه‌های تجزیه و تحلیل به شرح زیر است: ستون ۱ شامل نمونه‌های از پاسخ‌دهندگان با مادران و پدران مهاجر است. ستون ۲ شامل نمونه‌ای از پاسخ‌دهندگان با مادران و پدران مهاجر است که هر یک کشورهای متفاوتی دارند. $p < 0.01$ ، $p < 0.05$ ، $p < 0.001$.

نتایج نشان می‌دهد که، پایبندی به پروتستان و نیز سطح و رشد سرانه تولید ناخالص داخلی شاخص‌های مناسبی برای اخلاق کار هستند. سطح و رشد سرانه تولید ناخالص داخلی حتی در هنگام محاسبه مدل‌های مختلف و یا اثرات تعدیل‌کننده، اثری قوی دارند. پروتستان‌نیسم غالباً ارتباط مثبت با اخلاق کاری را نشان می‌دهد. با این حال، هنگام مقایسه آن با سایر فرقه‌های مذهبی، پروتستان فرقه‌ای با بالاترین اخلاق کاری نیست. بعلاوه، هنگام در نظر گرفتن درصد پایبندی به پروتستان در یک کشور، به جای پیوستگی فردی، ضریب، تمایل به منفی شدن دارد.

باید توجه داشته باشیم که وبر به‌طور خاص در ادعای خود کالوینیست و پیتیست‌ها را نشان می‌دهد، که مربوط به فلسفه اخلاق کار است. ما در تحلیل تجربی خود، بین فرقه‌های خاص پروتستان‌نیسم تمایزی قائل نیستیم. به‌عنوان مثال، لوتری‌ها نیز به‌عنوان پروتستان مطرح می‌شوند. این کاملاً منطبق با استدلال وبر نیست. با این حال، به‌دلیل محدودیت داده‌ها، قادر به جدا کردن فرقه‌های مختلف پروتستان نیستیم. تا آنجا که اطلاع داریم، ادبیات تجربی قبلی نیز تمایزی بین این فرقه‌ها قائل نشده‌اند.

نتایج ارائه‌شده در این مقاله با نتایج پیشنهادی وبر مطابقت کامل ندارد. با این وجود، می‌توان ادعا کرد که وبر از به‌موقع بودن مشاهدات خود آگاه بوده است. اول، در مکان‌های مختلف، او روشن می‌کند که اینها فقط مشاهدات و راهی برای روایت یک داستان است؛ روشی برای درک آنچه اتفاق می‌افتد. علاوه بر این، در پایان کتاب، او به این احتمال اشاره دارد که زمانی فرا خواهد رسید که مشاهدات وی دیگر معتبر نیستند و تحولات منجر به بروز دیدگاه‌های جدید یا "ظهور پیامبران کاملاً جدید" می‌شود (وبر، ۱۹۳۰: ۱۲۴). در این مقاله، ما بر این پیامبران جدید تمرکز نکرده‌ایم بلکه بر این واقعیت که پیامبران مختلف در صورتی پیام مشابهی را منتشر خواهند کرد که شرایط اقتصادی مشابه باشد تأکید کرده‌ایم. شاید این دیدگاه تا حدودی مارکسیستی‌تر از آنچه وبر دوست داشت، باشد.

1. Algan, Y. , Cahuc, P. (2010). Inherited trust and growth. *Am. Econ. Rev.* 100 (5), 2060–2092. <https://doi.org/10.1257/aer.100.5.2060>.
2. Andersen, T. B. , Bentzen, J. , Dalgaard, C. -J. , Sharp, P. (2017). Pre-reformation roots of the protestant ethic. *Econ. J.* 127 (604), 1756–1793. <https://doi.org/10.1111/econj.12367>.
3. Banfield, E. C. (1958). *The Moral Basis of a Backward Society*. Free Press, p. 188.
4. Barro, R. J. , McCleary, R. M. (2003). Religion and economic growth across countries. *Am. Socio. Rev.* 68 (5), 760–781. <https://doi.org/10.2307/1519761>. JStOR.
5. Van Bavel, B. (2016). *The Invisible Hand?: How Market Economies Have Emerged and Declined since AD 500*. Oxford University Press.
6. Becker, S. O. ,Woessmann, L. (2009). Was Weber wrong? A human capital theory of protestant economic history. *Q. J. Econ.* 124 (2), 531–596. <https://doi.org/10.1162/qjec.2009.124.2.531>.
7. Berger, P. L. (2010). Max Weber is alive and well, and living in Guatemala: the protestant ethic today. *Rev. Faith Int. Affairs* 8 (4), 3–9. <https://doi.org/10.1080/15570274.2010.528964>.
8. Bolt, J. , Inklaar, R. , de Jong, H. , van Zanden, J. L. (2018). Rebasings 'Maddison': New Income Comparisons and the Shape of Long-Run Economic Development. Maddison Project Working Paper Series.
9. Christopoulou, R. , Lillard, D. R. (2015). Is smoking behavior culturally determined? Evidence from British immigrants. *J. Econ. Behav. Organ.* 110, 78–90. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2014.12.014>.
10. EVS, (2017). *European Values Study Longitudinal Data File 1981-2017 (EVS 1981-2017)*. GESIS Data Archive, <https://doi.org/10.4232/1.13314>. ZA7500 Data
11. Fernandez, R. , Fogli, A. (2006). Fertility: the role of culture and family experience. *J. Eur. Econ. Assoc.* 4 (2/3), 552–561.
12. Galor, O. , Moav, O. (2002). Natural selection and the origin of economic growth. *Q. J. Econ.* 117 (4), 1133–1191. <https://doi.org/10.1162/003355302320935007>.
13. Guiso, L. , Sapienza, P. , Zingales, L. (2003). People's opium? Religion and economic attitudes. *J. Monetary, Econ.* 50(1), 225–282. [https://doi.org/10.1016/S0304-3932\(02\)00202-7](https://doi.org/10.1016/S0304-3932(02)00202-7).
14. Hofstede, Geert. (2001). *Culture's Consequences: Comparing Values, Behaviors, Institutions and Organizations across Nations*. SAGE, Thousand Oaks, California. Hofstede, Geert,

Jan Hofstede, Gert, Minkov, Michael, 2010. Cultures and Organizations: Software of the Mind. McGraw-Hill, eBook.

15. Van Hoorn, A. (2019). Cultural determinants of human capital accumulation: evidence from the European Social Survey. *J. Comp. Econ.* 47(2),429–440. <https://doi.org/10.1016/j.jce.2019.01.004>
16. Van Hoorn, A. , Maseland, R. (2013). Does a Protestant work ethic exist? Evidence from the well-being effect of unemployment. *J. Econ. Behav. Organ.* 91, 1–12. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2013.03.038>.
17. Inglehart, R. (1997). *Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic, and Political Change in 43 Societies*. Princeton University Press, Princeton.
18. Inglehart, R. , Baker, W. E. (2000). Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values. *Am. Socio. Rev.* 65(1),19–51. <https://doi.org/10.2307/2657288>.
19. de Jong, E. (2009). *Culture and Economics: on Values, Economics and International Business*. Routledge.
20. Kunio, Y. (2006). Japanese culture and postwar economic growth. In: Harrison, L. E. , Berger, P. L. (Eds.), *Developing Cultures: Case Studies*. Routledge.
21. Lee, R. L. , Ackerman, S. E. (1997). *Sacred Tensions: Modernity and Religious Transformation in Malaysia*. University of South Carolina Press.
22. Marini, M. (2004). Cultural evolution and economic growth: a theoretical hypothesis with some empirical evidence. *J. SocioEcon.* 33(6),765784. <https://doi.org/10.1016/j.socsc.2004.09.044>.
23. Maseland, R. K. J. (2006). *Embedding Economics. The Constitution of Reform and Development in Malaysia and the Philippines (1981-1997)*. Radboud University Nijmegen. Unpublished PhD thesis. <https://repository.ubn.ru.nl/handle/2066/27439>.
24. McClelland, D. C. (1961). *The Achieving Society*. TheFreePress. Norris, P. , Inglehart, R. , 2011. *Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide*. Cambridge University Press.
25. Nunziata, L. , Rocco, L. (2018). The Protestant ethic and entrepreneurship: evidence from religious minorities in the former Holy Roman Empire. *Eur. J. Polit. Econ.* 51, 27–43. <https://doi.org/10.1016/j.ejpoleco.2017.04.001>.
26. Rajan, R. (2019). *The Third Pillar: How Markets and the State Leave the Community behind*. Penguin.
27. Redding, S. G. , Hsiao, M. , 1990. An empirical study of Overseas Chinese managerial ideology*. *Int. J. Psychol.* 25 (3–6), 629–641. <https://doi.org/10.1080/00207599008247917>.
28. Rostow, W. W. (1959). The stages of economic growth. *Econ. Hist. Rev.* 12 (1), 1–16. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0289.1959.tb01829.x>.

29. Rostow, W. W. (1990). *The Stages of Economic Growth: A Non-communist Manifesto*. Cambridge university press. Schaltegger, C. A. , Torgler, B. , 2010. Work ethic, Protestantism, and human capital. *Econ. Lett.* 107(2), 99–101. <https://doi.org/10.1016/j.econlet.2009.12.037>.
30. Schmoller, G. (1874). *Schmoller Über einige Grundlagen des Rechts und der Volkswirtschaft*. Offenes Sendschreiben an Herrn Prof. Dr. Heinrich Treitschke. *Jahrbücher Für Nationalökonomie Und Statistik* 23, 225 –349.
31. Solt, F. (2009). Standardizing the world income inequality Database*. *Soc. Sci. Q.* 90 (2), 231–242. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6237.2009.00614.x>.
32. Spenkuch, J. L. (2017). Religion and work: micro evidence from contemporary Germany. *J. Econ. Behav. Organ.* 135, 193–214. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2017.01.011>.
33. Stam, K. , Verbakel, E. , De Graaf, P. M. (2013). Explaining variation in work ethic in Europe: religious heritage rather than modernisation, the welfare state and communism. *Eur. Soc.* 15 (2), 268–289.
34. Weber, M. (1930/2001). *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*. Routledge Classics, Abingdon/New York.
35. Williams, L. , Brown, D. , James, P. (2019). Religious Characteristics of States Dataset Project—Demographics V. 2. 0 (RCS-Dem 2. 0), COUNTRIES ONLY. <https://doi.org/10.17605/OSF.IO/7SR4M>.
36. WVS. (2015). *World Value Survey 1981-2014 Official Aggregate v. 20150418*, 2015. World Values Survey Association, Madrid. Aggregate File Producer: JDSystems. www.worldvaluessurvey.org.
37. Zafirovski, M. (2018). Calvinist predestination and the spirit of capitalism: the religious argument of the Weber thesis reexamined. *Hum. Stud.* 41 (4), 565–602. <https://doi.org/10.1007/s10746-018-9481-9>.
38. Zou, H. (1994). 'The spirit of capitalism' and long-run growth. *Eur. J. Polit. Econ.* 10 (2), 279–293. [https://doi.org/10.1016/0176-2680\(94\)90020-5](https://doi.org/10.1016/0176-2680(94)90020-5) aer. 100. 5. 2060